

عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر شباهت به خدا

زیارت عاشورا فهرست آرزوهای انسانی و عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر شباهت به خداست

شعبان ماه پیامبر اکرم است و از شیرین‌ترین مناسبت‌های آن ولادت سید و سالار شهیدان در سومین روز این ماه است. تمام شیعیان از بدو تولد در قلب خود حلاوتی شیرین به امانت دارند. امانتی گران‌بها که از قضا برای به دست آوردن آن هیچ عرق جبینی نریخته‌اند، اقیانوسی بی کران که قطره‌ای از آن به قلب هر شیعه چکید و او با این ودیعه به دنیا متولد شد. این امانت عشق حسین (علیه‌السلام) است. ما با محبت حسین (علیه‌السلام) زاده شده‌ایم. محبت ما به امام حسین (علیه‌السلام) محبتی تعیین‌کننده است؛ زیرا عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر انسان شدن را در اختیار ما قرار می‌دهد.

مجالس ولادت و عزای سیدالشهدا از پررونق‌ترین مناسبت‌ها در تقویم مذهبی شیعیان است و اغلب در این برنامه‌ها علاوه بر وعظ و ذکر مصیبت قرائت زیارت عاشورا هم انجام می‌شود؛ علاوه بر اینکه قرائت زیارت عاشورا یکی از پرتکرارترین اعمال در اغلب مناسبت‌های مذهبی است. کلید درک این نکته که چرا عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر انسان شدن است در همین نکته نهفته است.

خداوند با قرار دادن عشق به سیدالشهدا پای ما را به مجالسی گشوده است که در آن فهرستی از آرزوهای انسانی قرائت شده و حس حماسی لازم برای حرکت در این مسیر به جان شیعیان تزریق می‌شود، آرزوهایی که دنباله مسیر امام حسین (علیه‌السلام) و نقطه اتصال تاریخ به آینده حتمی و نزدیک جهان است. در این مقاله به بررسی این نکته می‌پردازیم که چرا و چگونه زیارت عاشورا فهرست آرزوهای انسانی و عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر شباهت به خداست.

مودت و همراهی در مسیر رشد

ما که پس از خیانت سقیفه دستمان از دامان معارف بی‌نهایت اهل بیت دور مانده بود، از حقیقتی بزرگ و سرنوشت ساز غافل شدیم و در چندین قرن امامت ائمه اطهار به آن میزان محبت مختصری که از پر قنداقه به همراه داشتیم، بسنده کردیم. از عصر امیرالمؤمنین تا امروز، خود را به دوست داشتنی سطحی مشغول کرده، و جشن و عزا بر حسین (علیه‌السلام) را کافی دانسته‌ایم و با غفلت از مهم‌ترین نکته در آیه 23 سوره شورا، تنها به محبت اهل بیت دل خوش کرده و از مودت ایشان که متخصص‌ترین مربیان تربیت و سعادت بشرند، غافل شده‌ایم. خداوند در این آیه تنها پاداش رسالت پیامبر را مودت اهل بیت عنوان می‌کند و در این میان نامی از کلمه‌ی محبت نمی‌آورد؛ چون مودت به معنای دوست داشتن همراه با فداکاری است و نتیجه آن چیزی جز شباهت نخواهد بود.

اغلب ما برای داشتن سفری امن و مسیری راحت به سمت مقصد، به دنبال انتخاب سریع‌ترین و راحت‌ترین وسیله هستیم، اگر قصد پیمودن مسافتی طولانی را داشته باشیم، پیاده طی کردن مسیر را منطقی نمی‌بینیم. بدون وسیله و حضور شخص راه بلدی که به نقشه مسیر مسلط باشد، راه ما دور، سخت و طاقت‌فرسا خواهد شد. در این صورت، یا دیر به مقصد می‌رسیم، یا به مقصد نخواهیم رسید، یا اینکه در میانه راه دچار خطا شده و از مسیر درست منحرف خواهیم شد. مسیر رشد انسانی ما به سمت کسب کمالات بی‌نهایت مسیری دشوار است که بدون نقشه و مربی راه‌بلد پیمون آن ممکن نیست.

همان‌طور که امام هادی (علیه‌السلام) در زیارت جامعه کبیره فرمودند: «... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ ...؛ هر کس خدا را بخواهد، باید با اهل بیت شروع کند.» این شروع کردن یعنی شناختن، نزدیک شدن، ارتباط برقرار کردن و زندگی به شیوه آن بزرگواران که لازمه آن شناخت و باور خود به عنوان انسانی است که می‌تواند تا مقام ائمه رشد کرده و بزرگ شود.

زیارت عاشورا فهرستی از آرزوهای انسانی

گفتیم که عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه مسیر شباهت به خدا و آسان‌ترین مسیر برای رسیدن به آرزوهای انسانی است، اما اگر ما خود را به عنوان یک انسان معنا نکرده باشیم، در مجالس امام حسین (علیه‌السلام) شرکت خواهیم کرد، اما چیزی که از ایشان می‌خواهیم، آرزوهای غیرانسانی و مربوط به بخش‌های یائینی وجودمان خواهد بود. این که ما از امام حسین (علیه‌السلام) و در مجالس ایشان چه بخواهیم و به دنبال چه باشیم، نگاهی بسیار تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است.

اگر به دنبال آیین‌نامه‌ای دقیق و مبارک برای تنظیم و طبقه‌بندی ارتباط و خواست‌هایمان با امام حسین (علیه‌السلام) هستیم، زیارت عاشورا فرمول بی‌نظیری برای رسیدن ما به این مقصود است. این حدیث قدسی برنامه‌ای سازماندهی شده برای مهندسی آرزوهایمان در آغوش امام حسین (علیه‌السلام) است. حدیث قدسی و اعجاب‌انگیز که از ابتدا تا انتها توسط خدا تنظیم شده است و خدا در این فهرست طبقه‌بندی شده مدام به ما گوشزد می‌کند که غیر از خود حسین (علیه‌السلام) و مقام حسین (علیه‌السلام) چیزی نخواهید. زیارت عاشورا این مسئله را به ما تلقین می‌کند، که کمتر از معیت امام حسین (علیه‌السلام) و جایگاه او تمنایی نداشته باشیم. اصلاً زیارت عاشورا تنظیم شده که ما را به خدا برساند.

در فراز به فراز از این ملاقات مقام انسانی بلندی که فراموشمان شده به ما یادآوری می‌شود. بند بند زیارت عاشورا به ما هدف و انگیزه می‌دهد. در فرازی می‌خوانیم: «أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ می‌خواهم در دنیا و آخرت همراه شما باشم.» در ملاقاتی عاشقانه خطاب به امام حسین (علیه‌السلام) می‌گوییم: «من طاقت دوری تو را ندارم.» و راهکار همراهی به امام را هم بیان می‌کند و می‌گوید؛ اگر می‌خواهی در دنیا و آخرت با حسین (علیه‌السلام) باشی، باید قلب و عملت در زندگی مثل امام حسین (علیه‌السلام) شود.

این زیارت که ملاقاتی مهیج بین ما و حسین (علیه‌السلام) است؛ به مرور به مکالمه‌ای پر مغز تبدیل می‌شود، که ما را به اصل و ریشه خود باز می‌گرداند. از مهم‌ترین ثمرات زیارت عاشورا آن است که ما متوجه دور افتادن از خانواده آسمانی خود می‌شویم. با تکرار و واگویه مصائب و ظلم‌هایی که به چهارده نور مقدس وارد شده، گویی

به خود آمده و تازه به خاطر می‌آوریم که ما فرزند این شهیدانیم. در ضمن این مکالمه عاشقانه به رابطه خود و اهل بیت بیشتر می‌اندیشیم. این حقیقت مغفول و مهجور که اهل بیت خانواده حقیقی و آسمانی ما هستند، برای ما زنده می‌شود. اینجاست که عمیقاً رو به حسین (علیه‌السلام) می‌گوییم: «أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي ؛ پدر و مادر زمینی‌ام به فدای تو.»

در حقیقت، زیارت عاشورا فهرست آرزوها و هوس‌هایی است که خود خدا و اهل بیت به دل ما می‌اندازند. در غیر این صورت، کمتر کسی شجاعت درخواست چنین هوس‌های بزرگی به سرش میزد. آنجا که می‌خوانیم: «أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ.» اگر تصور کنیم با خواندن و گذشتن و رفتن، کار تمام است و به مقام محمودی که امام حسین (علیه‌السلام) ما را به آن دعوت کرده، رسیده‌ایم توهمی بیش نیست. این خواست‌ها و فرازاها، افق دید و اهداف ما را مشخص می‌کند، اهدافی که برای رسیدن به آنها تلاش، عشق و اراده احتیاج داریم.

تأیید این مدعا را در این فراز خواهیم دید که: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم)» ما دوست داریم در گروه، قاعده و اصول مشخصی زندگی کنیم. این فراز به ما می‌گوید: «مراقب باش در کدام گروه هستی، چرا که تفکر آن‌ها، مسلک تو به شمار می‌رود.» با این فراز، سبک زندگی و حتی سبک تولد ما به برزخ هم مشخص می‌شود.

دریافتیم که تنها مسیر تقرب به امام حسین (علیه‌السلام) هم‌رنگ شدن با حسین (علیه‌السلام) است. برای هم‌رنگ شدن با امام باید مانند یک نقاش جسور، رنگ فعلی قلب خود را پاک کنیم و رنگ امام حسین (علیه‌السلام) را به قلب خود بپاشیم. اگر قلب و نفس رنگی را بپذیرد؛ بازتاب نور و رنگ آن در سبک زندگی ما پدیدار می‌شود و بازتاب قلبی که از خلق و مسلک حسین (علیه‌السلام) رنگ بگیرد، آن است که صاحب قلب حسینی دیگر در

مختصات زندگی خود خواهد شد. انسانی که هر قدم و نفس او در مسیر یاری امام زمانش و هم‌قدم با او خواهد بود.

در این چارت عاشقی می‌بینیم که سیر مکالمه از حرف‌های عاشقانه با امام حسین (علیه‌السلام) شروع شده و به مرور به نقطه‌ای مغفول می‌رسد. می‌بینیم که ماجرا از امام سال 61 هجری به سمت حسینی مظلوم‌تر، غریب‌تر و تنهاتر از او میل می‌کند، که هم اکنون زنده است. اینجاست که ذهن ما در این ملاقات با دو مصیبت آشنا می‌شود. اینکه امام زمان (علیه‌السلام) که پدر من است، و به او محتاجم، آواره است و نمی‌توانم او را داشته باشم. مصیبت دیگر آنکه امام زمان (علیه‌السلام) که با عواطفی هزاران برابر از عاطفه پدر زمینی مرا دوست دارد و می‌تواند مرا از مشغولیت بین کمالات محدود دنیا نجات دهد، امکان سرپرستی و حکومت بر دنیا را ندارد.

و درمیابیم که انتقام حسین (علیه‌السلام) فراتر از انتقامی است که مختار گرفت. به این درک می‌رسیم که انتقام امام حسین (علیه‌السلام) تنها با ظهور و حکومت امام معصوم صورت می‌گیرد و در جهت تحقق این آینده گام برخواهیم داشت. آینده‌ای حتمی و نزدیک در تنها با تحقق آن انسان توان و امکان انسان بودن و انسان زیستن را به دست خواهد آورد.

پس تمام این نقشه، نقشه خداست برای انسان شدن و انسان بودن ما. نقشه‌ای که از پر قنداقه با عشق به امام مظلوم سال 61 هجری شروع شده و با قرائت همراه با تدبیر زیارت عاشورا در محالس سیدالشهدا به درک مظلومیت امام عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) منجر خواهد شد. پس بیراه نگفته‌اند که زیارت عاشورا فهرست آرزوهای انسانی و عشق حسین (علیه‌السلام) نقشه راه انسانیت است.